

فصلنامه علمی و پژوهشی «تحقیقات مالی»

سال اول - شماره ۴ - پاییز ۱۳۷۳

ص ص ۱۲۸-۱۲۱

# فرهنگ واژگان مالی

دکتر حسین عبده تبریزی<sup>۱</sup>  
پرویز صداقت<sup>۲</sup>

**بازار حراج**  
auction market  
بازاری که در آن خریداران و فروشندگان به طور همزمان پیشنهادهای رقابتی خرید و فروش می‌دهند. بورس اوراق بهادار نیویورک نمونه‌ای از یک بازار حراج است.

**گزارش حسابرس**  
auditor's report  
گزارش کار یک شرکت حسابرسی که درباره صورت‌های مالی شرکت حسابرسی شده اظهار نظر کرده است.

**اوراق قرضه مقام ناظر**  
authority bond  
نوعی اوراق قرضه درآمدی که توسط سازمان دولتی یا شرکتی منتشر می‌شود که برای نظارت بر یک مؤسسه دولتی انتفاعی تشکیل شده است.

---

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۲- کارشناس و محقق در مسائل مالی

authority to transfer

**اجازه واگذاری**

سندی رسمی که به یک سازمان واگذاری اختیار می‌دهد مالکیت را از یک گروه به گروه دیگر انتقال دهد. این سند، سند واگذاری به گروه ثالث (third party release) هم نامیده می‌شود.

authorize

**قدرت بخشیدن، اختیار دادن، نظارت کردن**

authorized stock

**سهام مجاز**

تعداد سهام سرمایه‌ای که شرکت سهامی می‌تواند طبق اساسنامه ثبت شده‌اش منتشر کند.

automatic reinvestment

**باز سرمایه گذاری خودکار**

خرید برگه سهام اضافی با استفاده از سود سهام، عایدی سرمایه‌ای، یا بازده اصل ناشی از سهم؛ معمولاً در اشاره به صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک یا سود سهام صندوق‌های خدمات عام‌المنفعه از این اصطلاح استفاده می‌شود.

automatic withdrawal

**پرداخت خودکار**

پرداخت ثابت ادواری از سوی یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بر مبنای ماهانه، فصلی، شش ماه یک بار یا سالانه.

average

**میانگین**

محاسبه ریاضی تغییرات قیمت گروه مشخصی از اوراق بهادار.

average down

**کاهش میانگین**

کاهش میانگین قیمت پرداخت شده برای سهام به سبب خرید آن سهم در هنگام کاهش قیمت. (مثال: پرداخت ۵۰۰۰ ریال برای هر سهم و سپس خرید سهام بیشتر به هنگام افت

قیمت به ۴۵۰۰ ریال و سپس ۴۰۰۰ ریال. اگر در هر یک از این دفعات تعداد سهام خریداری شده یکسان باشد، میانگین قیمت هر سهم ۴۵۰۰ ریال خواهد بود).

### افزایش میانگین

average up

خرید سهام در یک بازار در حال رشد به منظور کاستن از میانگین کلی. (مثال: پرداخت ۵۰۰۰ ریال برای هر سهم و سپس ۵۵۰۰ ریال و آنگاه ۶۰۰۰ ریال. اگر هر بار تعداد ثابتی خریداری شود، میانگین قیمت هر سهم ۵۵۰۰ ریال خواهد شد.)

### میانگین سازی

averaging

راهبرد سرمایه‌گذاری که حجم ریالی ثابتی سرمایه‌گذاری می‌شود سهام بیشتری از یک صندوق یا اوراق بهادار خاصی خریداری می‌شود تا کل سرمایه‌گذاری میانگین بهتری بیابد.

### اوراق قرضه نوزاد

baby bond

اوراق قرضه‌ای که ارزش اسمی آن کمتر از ۱۰۰۰ دلار باشد.

### سرمایه‌گذاری با سر بار متأخر

back - end load

سرمایه‌گذاری در صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یا سرمایه‌گذاری با اقساط مساوی که در آن هزینه حق‌العمل هنگام بازپرداخت اصل سرمایه دریافت می‌شود، و نه در هنگام خرید اوراق. معمولاً این مقدار هر سال درصد مشخصی کاهش می‌یابد تا دیگر هیچ هزینه حق‌العملی نماند. از این روش به منظور کاهش برداشت‌های سرمایه‌گذاران استفاده می‌شود.

### دبّه، چِزْدن

backing away

قصور بازارساز خارج از بورس در رعایت قیمت‌های پیشنهادی و درخواستی. این کار طبق ضابطه روش‌های عادلانه انجمن ملی معامله‌کنندگان اوراق بهادار NASD غیر قانونی است.

back office

واحد پشتیبانی

آن دسته از کارکنان بانک‌ها و کارگزاری‌ها که مستقیماً درگیر خرید و فروش سهام نیستند.

back up

واگشت

تغییر روند بازار سهام

backwardation

واپس رفتن

کاهش مستمر قیمت آتی کالاها، ر.ک. contango.

bad delivery

گواهی اوراق بهادار غیر قابل انتقال

گواهی اوراق بهاداری که دریافت شده اما به خاطر عدم انجام کارهای اداری یا نداشتن امضا، غیر قابل انتقال به دیگری است.

balanced drilling program

برنامه حفاری متوازن

مشارکت محدودی که به منظور حفاری اکتشافی نفت و گاز یا حفاری در حوزه‌های کشف شده تشکیل شده است.

balanced mutual fund

صندوق متوازن سرمایه‌گذاری مشترک

صندوق سرمایه‌گذاری که بده (پرتفوی) آن مرکب از سهام و اوراق قرضه است.

balance of trade

تراز تجاری

تفاوت بین اقلام وارد شده به کشور و اقلام صادر شده از آن.

balance sheet

ترازنامه

صورت مالی خلاصه‌ای که نشان دهنده حجم ریالی مجموع دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت

در یک تاریخ مشخص است.

**اوراق قرضه با سررسید دوررس**  
balloon maturity  
انتشار اوراق قرضه‌ای که در سال‌های اولیه بخش اندکی از آن سررسید و بخش اعظم اوراق در سال‌های بعد سررسید می‌شود. به اوراق قرضه با سررسید دنباله‌دار serial maturity هم مصطلح است.

**پذیرش بانکی**  
banker's acceptance  
برات وعده‌داری که توسط واردکننده یا صادرکننده در وجه بانک کشیده می‌شود و بانک تعهد بی‌قید و شرط دارد که مبلغ اسمی آن را در سررسید پرداخت کند. سررسید این اوراق معمولاً کم‌تر از سه ماه است. به اعتبار اسنادی مدت‌دار نیز مصطلح است.

**نرخ وام بانکی**  
banker's loan rate  
مزینه‌ای که بانک از سایر بانک‌ها در ازای وام کوتاه‌مدت مطالبه می‌کند. مدت این وام‌ها از یک تا سه روز است.

**شرکت هلدینگ بانکی**  
banking holding company  
شرکت مالک یا کنترل‌کننده یک یا چند بانک.

**اوراق قرضه با کیفیت سپرده بانکی**  
bank quality  
اوراق قرضه‌ای که توسط سازمان درجه‌بندی‌کننده‌ای مانند استاندارد و پور در چهار گروه بالای A, AA, AAA و BBB طبقه‌بندی شده باشد، دارای کیفیتی مشابه سپرده‌های بانکی شناخته می‌شود. اوراق قرضه با رده‌بندی BB و پایین‌تر اوراق قرضه بنجل junk bonds نامیده می‌شود. باید توجه کرد که اگر وضعیت مالی ناشر اوراق قرضه تغییر کند، درجه‌بندی اوراق قرضه نیز تغییر خواهد کرد.

bankruptcy

ورشکستگی

کنش حقوقی، اختیاری یا اجباری، توسط یک فرد حقیقی یا حقوقی است که در نتیجه عدم توان پرداخت دیون انجام می‌شود.

bank trust department

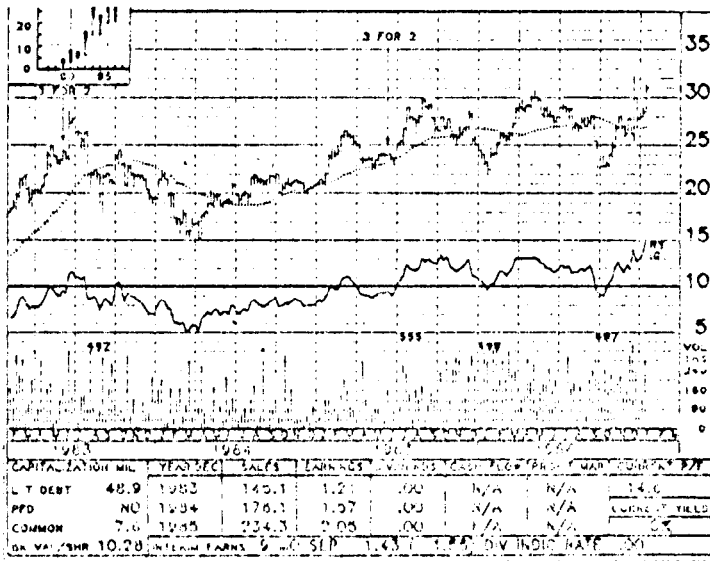
اداره امانی بانک

از واحدهای خدماتی بانک که خدماتی مانند تسویه ارث، وظیفه امین صندوق، قیمومیت، اداره طرحهای بازنشستگی و برنامه ریزی برای ماترک فردی به مشتریان ارائه می‌کند.

bar chart

نمودار خطی تغییرات قیمت

نوعی نمودار فنی که در آن قیمت‌های بالا، پایین یا پایانی اوراق بهادار در فاصله زمانی معین، مانند هر ۱۵ دقیقه، ساعتی، روزانه یا هر دوره زمانی دیگری ثبت می‌شود. رک. نمودار.



barometer

فشار سنجی

تحلیل فنی شاخص‌های اقتصادی و یا بازار برای پیش‌بینی روندهای آتی.

barron's confidence index

**شاخص اطمینان بازن**

نسبت اوراق قرضه با کیفیت بالا به اوراق قرضه با کیفیت پایین که میزان اطمینان سرمایه‌گذار به اقتصاد را نشان می‌دهد. خریداران اوراق قرضه با درجه پایین به وضعیت اقتصادی اطمینان دارند، در حالی که خریداران اوراق قرضه با کیفیت بالا درباره اقتصاد تردیدهایی دارند.

base market value

**ارزش پایه بازار**

میانگین قیمت سهام گروه مشخصی از سهام در یک زمان معین. به عنوان مبنایی برای مقایسه شاخص‌های مختلف بازار از آن استفاده می‌شود.

basic grade

**نوع پایه**

کیفیت یا نوع مشخصی که در قرارداد آتی بورس از آن یاد شده است. انواع دیگر در صورتی در بورس قابل فروش‌اند که قیمت آنها با قیمت نوع پایه فرق کند.

basis

**پایه**

۱) یافتن پایه قیمت تمام شده یک برگه سهم. برای این کار کل قیمت خرید یا ارزش به هنگام تملک در نظر گرفته می‌شود، هزینه خرید (یعنی کمیسیون، حق الزحمه، ...) بر آن اضافه و حاصل بر تعداد سهام نگهداری شده تقسیم می‌شود.

۲) تفاوت قیمت یک کالا از بهای فروش یا قیمت آتی تعیین شده برای آن (زمان مشخصی در آینده). به جای آن پایه قیمت تمام شده یا cost basis هم می‌گویند.

basis point

**صدم درصد**

یک صدم درصد (۱/۱۰۰). معمولاً در اشاره به ثمر و قیمت اوراق بهادار مختلف به کار می‌رود. مثلاً تفاوت بین ۱۱/۷۳ درصد و ۱۱/۶۹ درصد، ۴ صدم درصد است.

## فهرست‌های مشمولان مالیات

baskets

فهرست واحدهای مشمول یا ملزم به پرداخت مالیات طبق قوانین مالیاتی.

## سرازیو

bear

کسی که معتقد است بازار روند نزولی را طی می‌کند.

## اوراق قرضه بی‌نام

bearer bond

اوراق قرضه‌ای که مالکیت آن ثبت نشده و کوپن بهره آن متصل به گواهی اوراق قرضه است. برای دریافت بهره باید این کوپن‌ها را جدا و به سازمان عامل ارسال کرد. تغییر مالکیت صرفاً با دست به دست شدن گواهی به مالک جدید انجام می‌شود.

## بازار سرازیو

bear market

روند نزولی بازار سهام، از اصطلاح bear down می‌آید. اصطلاح مقابل آن bull market یا بازار داغ است.